فقر گلزنی محصول بی‌توجهی به استعدادها

حمید درخشان
کارشناس فوتبال

لیگ برتر فوتبال ایران از فقر گلزن رنج می‌برد؛ فقری که ریشه در عوامل متعددی دارد. اول آنکه باشگاه‌ها در زمینه تربیت مهاجمان به‌درستی عمل نمی‌کنند. در گذشته، در ساختار باشگاه‌ها افراد خبره و متخصص فعالیت داشتند و بازیکنان به‌صورت پله‌پله رشد می‌کردند تا در نهایت به تیم‌های بزرگ لیگ برتر می‌رسیدند، اما امروز این مسیر توسعه در عمل متوقف شده است.

از زمانی که آکادمی‌ها فعالیت خود را آغاز کرده‌اند، به‌جای آنکه به کارخانه‌های بازیکن‌سازی تبدیل شوند، در بسیاری از موارد به محلی برای کاسبی و درآمدزایی تبدیل شده‌اند. در فوتبال ایران به‌جز چند باشگاه محدود، سایر تیم‌ها در عمل توجهی به این مسأله ندارند و همین بی‌توجهی باعث کمبود بازیکن شده و لیگ را با فقر مفرط گلزن مواجه کرده است. در نتیجه این خلأ، باشگاه‌ها برای جبران کمبود مهاجم به سراغ بازیکنان خارجی می‌روند؛ بازیکنانی که غالباً از کیفیت بالایی برخوردار نیستند. دلیل این موضوع نیز روشن است؛ مهاجمان درجه یک هزینه بالایی دارند و باشگاه‌ها توان پرداخت قرارداد آنها را ندارند، بنابراین ناچار به جذب بازیکنان متوسط دل می‌بندند. در چنین شرایطی نمی‌توان انتظار عملکردی بزرگ و تأثیرگذار از این بازیکنان داشت.

نکته مهم‌تر آن است که بسیاری از تیم‌ها حتی در سطح تاکتیکی نیز قادر نیستند الگوهای گلزنی را به‌درستی در زمین پیاده کنند. نبود برنامه مشخص برای خلق موقعیت، باعث می‌شود مهاجمان در جریان مسابقه تغذیه نشوند و فرصت‌های گلزنی شکل نگیرد. این ضعف ساختاری به‌تدریج به تیم ملی نیز منتقل شده و جای خالی یک مهاجم ششدانگ در ترکیب تیم ملی فوتبال ایران به‌وضوح احساس می‌شود. راهکار عبور از این چالش، پیش از هر چیز، ارتقای دانش فنی مربیان است تا بتوانند اصول صحیح خلق موقعیت و گلزنی را به بازیکنان آموزش دهند. در کنار آن، فوتبال ایران باید در همه ابعاد، از زیرساخت‌ها و زمین‌های استاندارد گرفته تا سیستم تربیت بازیکن، تقویت شود؛ در غیراین صورت، این روند هر سال بدتر خواهد شد. در واقع فوتبال ایران نه‌تنها درجا نمی‌زند، بلکه با ادامه این مسیر دچار عقبگردی آشکار می‌شود؛ عقبگردی که نمونه بارز آن، حذف تیم‌های پایه در مرحله مقدماتی رقابت‌های آسیایی است. این عقبگرد از دو سال پیش و هم‌زمان با حذف تیم‌های ملی پایه آغاز شد؛ جایی که تیم امید ایران حتی مقابل لبنان نیز شکست خورد؛ تیمی که در عمل از هیچ زیرساخت قابل‌توجهی برخوردار نیست. تیم امید، که باید پشتوانه تیم ملی فوتبال ایران باشد، امروز به یک فاجعه تمام‌عیار تبدیل شده است؛ فاجعه‌ای که باید برای آن گریست. در این مقطع نه گوش شنوایی برای شنیدن ابعاد این مشکل وجود دارد و نه مسئولی که در قبال آن توضیحی بدهد یا برای حل آن آستین بالا بزند.

فوتبال بدون گل دیگر «زیبا» نیست

مسعود معینی
کارشناس فوتبال

در سراسر دنیا، بخش مهمی از زیبایی فوتبال در عبور توپ از خط دروازه خلاصه می‌شود. حتی اگر دو تیم نمایشی فنی، درگیرانه و پرتحرک ارائه دهند، اما بازی با نتیجه صفر-صفر به پایان برسد، باز هم یک جای کار می‌لنگد. فوتبالِ بدون گل شاید هنوز فوتبال باشد، اما دیگر «زیبا» نیست.

به‌گمان من، مهم‌ترین عامل فقر گلزنی و کمبود مهاجم در لیگ ایران، بیش از هر چیز به شرایط احساسی-روانی بازیکنان و نوع مدیریت باشگاه‌ها بازمی‌گردد. استرسی که در ساختار مدیریتی باشگاه‌ها برای کسب نتیجه فوری وجود دارد، نقشی اساسی در شکل‌گیری این وضعیت ایفا می‌کند. وقتی مدیری هر روز با ترس برکناری و جابه‌جایی روبه‌روست، این اضطراب و فشار ناشی از مدیران بالادستی و حتی هواداران، خواه‌ناخواه و به‌صورت ناخودآگاه به کادر فنی تیم منتقل می‌شود و طبیعی است که مربی نیز همین فشار را به بازیکنان تزریق کند. نتیجه چنین چرخه‌ای آن است که تیم‌ها به سمت بازی محتاطانه سوق داده می‌شوند و استراتژی «گل نخوردن» و «نباختن» به‌مراتب مهم‌تر از بازی هجومی، شاداب و خلاقانه می‌شود.

فوتبال ایران با بحرانی چندلایه روبه‌رو است. اول، مشکل زیرساخت‌هاست؛ زمین‌هایی که اجازه اجرای فوتبال مدرن و سریع را نمی‌دهند. دوم، فلسفه مربیگری و تفکراتی که به حداقل‌ها قانع‌اند و ذاتاً ریسک‌گریز هستند. سوم، بحران در حوزه تولید بازیکن؛ جایی که با نبود پرورش مهاجمان کلاسیک و تمام‌کننده مواجهیم. در واقع، شرایط امروز لیگ نشان‌دهنده معیوب بودن چرخه جایگزینی نیز هست؛ به این معنا که نتوانسته‌ایم جانشینان شایسته‌ای برای مهاجمان گلزن نسل‌های گذشته خود پیدا کنیم.

اگر این چرخه معیوب اصلاح نشود، فاصله فوتبال ایران با رقبای منطقه‌ای-که با سرعتی چشمگیر در حال پیشرفت، جذب ستاره و بهبود زیرساخت‌های خود هستند-نه با سال، بلکه با دهه سنجیده خواهد شد. اثرات این وضعیت اکنون در تیم ملی ایران نیز به‌وضوح قابل مشاهده است. در دو دیدار دوستانه اخیر مقابل ازبکستان و کیپ‌ورد، تیم ملی در گلزنی ناکام ماند. وقتی لیگ داخلی مهاجمِ «قاتل» و تمام‌کننده تربیت نمی‌کند، چگونه می‌توان انتظار داشت تیم ملی در گلزنی طوفانی و تعیین‌کننده ظاهر شود؟

«ایران» افت گلزنی در مسابقات لیگ برتر فوتبال را با لیگ‌های آسیایی بررسی می‌کند

برهوت مهاجم ششدانگ

سینا حسینی / روند گلزنی در لیگ برتر فوتبال ایران به پایین‌ترین سطح ممکن رسیده است؛ به‌گونه‌ای که مهاجمان شاغل در این لیگ، در مقایسه با لیگ‌های منطقه، ضعیف‌ترین آمار گلزنی را به نام خود ثبت کرده‌اند. این موضوع به‌روشنی از افت محسوس تیم‌های باشگاهی ایران در حوزه گلزنی حکایت دارد. بررسی‌های آماری نشان می‌دهد لیگ برتر ایران در قیاس با لیگ‌های قطر، عربستان، امارات و حتی عراق در جایگاهی پایین‌تر قرار گرفته و این فاصله آماری، ضعف ساختاری مهاجمان و سیستم‌های تهاجمی فوتبال ایران را بیش از پیش نمایان می‌کند.

نکته تأمل‌برانگیز آنجاست که با گذشت هفده هفته از رقابت‌های لیگ برتر ایران، تیم‌های حاضر در لیگ بیست‌وپنجم در مجموع ۲۳۳ گل به ثمر رسانده‌اند که میانگین ۱٫۴۴ گل در هر مسابقه را به ثبت می‌رساند.

این در حالی است که در لیگ ستارگان قطر، تا پایان هفته دوازدهم، تیم‌های حاضر با به ثمر رساندن ۲۵۴ گل، میانگین قابل‌توجه ۳٫۲۶ گل در هر بازی را ثبت کرده‌اند؛ آماری که از نظر کارشناسی، بالاترین میانگین گلزنی در رقابت‌های باشگاهی حوزه خلیج فارس به شمار می‌رود و لیگ قطر را در بالاترین سطح گلزنی منطقه قرار می‌دهد.

پس از لیگ ستارگان قطر، لیگ حرفه‌ای عربستان در جایگاه دوم قرار دارد. تیم‌های حاضر در لیگ برتر این کشور تا پایان هفته شانزدهم موفق به ثبت ۴۴۳ گل شده‌اند که همین آمار باعث شده میانگین گلزنی لیگ عربستان به عدد ۳٫۰۸ برسد؛ رقمی که به‌وضوح برتری ساختار تهاجمی فوتبال باشگاهی این کشور را در مقایسه با لیگ ایران نشان می‌دهد. بعد از قطر و عربستان، لیگ امارات سومین لیگ پرگل منطقه محسوب می‌شود. در لیگ امارات، تا پایان هفته دوازدهم، تیم‌های لیگ برتری ۲۳۸ گل به ثمر رسانده‌اند که حاصل آن ثبت میانگین ۲٫۶۲ گل در هر مسابقه است. به این ترتیب، امارات پس از لیگ ستارگان قطر و لیگ حرفه‌ای عربستان، بالاترین نرخ گلزنی را در میان رقابت‌های باشگاهی منطقه به خود اختصاص داده است.

قرار گرفتن لیگ عراق پس از قطر، عربستان و امارات نیز نشان می‌دهد تیم‌های این کشور عملکرد قابل قبولی در میان لیگ‌های آسیایی داشته‌اند. باشگاه‌های حاضر در لیگ ستارگان عراق با به ثمر رساندن ۲۶۳ گل در جریان ۱۴ هفته رقابت، میانگین ۱٫۸۸ گل در هر بازی را به ثبت رسانده‌اند؛ آماری که با وجود فاصله با لیگ‌های بالانشین منطقه، همچنان بالاتر از میانگین گلزنی لیگ برتر ایران حوزه خلیج فارس حتی به بالای ۳ گل یا ۲/۷ می‌رسد که شاخص خوبی است و حتی در لیگ انگلیس هم میانگین گل هر بازی حدود ۲/۵ است، در لیگ ایران میانگین گل به یک می‌رسد؛ البته در برخی هفته‌ها این میانگین حتی به زیر یک گل هم سقوط می‌کند.

> با علم مربیگری به‌تنهایی کیفیت تیم بالا نمی‌رود؛ بلکه برای ارتقای کیفیت فنی تیم، مربی باید سواد مربیگری را به سواد تمرین تبدیل کند

علت این اتفاق از چه عواملی نشأت می‌گیرد؟

این مسأله دلایل متعددی دارد. در مجموع، اولویت تیم‌های فوتبال ایران گل نخوردن و نباختن است، نه گل زدن. این اولویت باعث می‌شود تیم‌ها به‌جای بازی هجومی و گل زدن، دفاعی بازی کنند تا دروازه‌هایشان بسته بماند؛ چرا که باخت همیشه بحران‌زاست و موجب تغییر مربی و بی‌ثباتی نیمکت می‌شود.

اما مهم‌ترین دلیل، نبود «سواد تمرین» است. سواد مربیان تیم‌های ما بد نیست، چرا که در دوره‌های مربیگری شرکت می‌کنند، اما اطلاعات آنها تنها به علوم مربیگری ختم می‌شود. در حالی که با علم مربیگری به‌تنهایی کیفیت تیم بالا نمی‌رود؛ بلکه برای ارتقای کیفیت فنی تیم، مربی باید سواد مربیگری را به سواد تمرین تبدیل کند. هرچند این فرآیند راحت نیست و مقوله‌ای تخصصی است، اما هیچ‌وقت به آن توجه نشده است.

شاکله تمرینات همه تیم‌ها یکی است؛ گرم کردن، کار بدنی و کمی حفظ توپ که هدف نهایی آن مشخص نیست. البته پرس و دفاع کردن را هم باید به آن اضافه کرد.

مهاجمان برای گلزنی باید چه قابلیتی داشته باشند؟

مهاجم گلزن باید سه قابلیت مهم داشته باشد. اول، هوش جاگیری که مقوله‌ای بسیار مهم است. مهاجمان باید جاگیری را به‌خوبی بلد باشند؛ چه مهاجمان مرکزی، چه وینگرها و چه بازیکنان کناری. این موضوع روش تمرین خاص خودش را دارد. دوم، «عقل پاس»؛ یعنی مهاجم باید از توپ‌های ساده، با پاس‌های عالی و بی‌نقص، موقعیت‌های گل بسازد. پاس‌هایی که امتیاز ۵ دارند؛ یعنی مکمل یارهای کناری باشند و زوج‌سازی کنند.

برای حل این قضیه چه راهکاری پیشنهاد می‌کنید؟

باید در حوزه علم تمرین، دوره‌های خاصی برای مربیان فوتبال در پایان هر فصل برگزار شود و از همه مهم‌تر، در قالب سمینارهایی کیفیت فنی تیم‌ها بررسی شود. کیفیت تیم‌ها باید بر اساس شاخص‌های کیفی مانند تعداد گل، تعداد پاس‌های صحیح و پاس‌های خلاق سنجیده شود. در این فرآیند می‌توان برای مربیان ایده‌پردازی کرد.

در حال حاضر رسم بر این است که مربی تیم قهرمان به‌عنوان بهترین مربی سال انتخاب می‌شود؛ یعنی معمولاً مربیان تیم‌های استقلال، پرسپولیس، سپاهان، فولاد و به‌تازگی تراکتور. اما می‌توان پس از بررسی تیم‌ها بر اساس شاخص‌های کیفی، بهترین مربی را انتخاب کرد.

تعداد کم گل در لیگ نگران‌کننده است؟

این موضوع قطعاً خطرناک است و نشان‌دهنده تنزل فوتبال ایران است. در آینده این سقوط کیفیت را بیشتر هم خواهیم دید. تیم‌های پایه، باشگاهی، بانوان، حتی فوتسال و فوتبال ساحلی ایران در سراشیبی سقوط قرار گرفته‌اند. کیفیت آنها به‌شدت کاهش یافته و حواس هیچ‌کس به این مسأله نیست؛ در حالی که این روند برای آینده فوتبال ایران بسیار خطرناک است. فوتبال ما اکنون به‌شدت عقب مانده و در آینده نیز این عقب‌ماندگی بیشتر خواهد شد.

مجید جلالی در گفت‌وگو با «ایران»:

سقوط کیفی فوتبال ایران در آینده تشدید می‌شود

اولویت تیم‌های لیگ برتری گل نخوردن و نباختن است، نه گل زدن

مهری رنجبر/ تئوریسین فوتبال ایران، با اشاره به روند کیفی مسابقات لیگ برتر فوتبال ایران از سقوط کیفیت در رقابت‌های لیگ برتر سخن می‌گوید و تأکید دارد: «خطری بسیار جدی فوتبال ایران را تهدید می‌کند که انگار برای هیچ‌کسی اهمیت ندارد.»

به منظور بررسی شرایط فنی حاکم بر رقابت‌های لیگ برتر، به سراغ مجید جلالی رفتیم تا با او در این رابطه به گفت‌وگو بپردازیم. حاصل گفت‌وگوی روزنامه «ایران» با مجید جلالی را در ادامه می‌خوانید.

چرا روند بازی‌های جذاب و مهیج در فوتبال ایران به کندی پیش می‌رود؟

فوتبال ایران سه بخش اداری، اجرایی و فنی دارد. دو بخش اول به خاطر الزامات AFC و FIFA پیشرفت کرده‌اند، اما از نظر فنی به‌شدت در سراشیبی سقوط قرار داریم؛ چرا که برای رشد فنی کار نکرده‌ایم و حتی مسئولان فدراسیون هم این موضوع را قبول ندارند. وقتی لیگ بیست‌وپنجم را با لیگ یک تا پنجم مقایسه می‌کنیم، پیشرفت در بخش اجرایی به چشم می‌آید، اما در بُعد فنی روند نزولی مخاطب را آزار می‌دهد. یکی از پارامترها و شاخص‌های کیفی بازی‌های لیگ برتر، تعداد گل است. در حالی که میانگین گلزنی در هر بازی در لیگ کشورهای تهاجمی را گرفته است. این رویکرد باعث کاهش فضای بازی، افت تعداد موقعیت‌های گل و در نهایت پایین آمدن نرخ گلزنی شده است.

عامل دوم، کیفیت پایین خلق موقعیت است. بررسی فنی مسابقات لیگ نشان می‌دهد بخش عمده‌ای از گل‌ها نه حاصل طراحی‌های ترکیبی و تاکتیکی، بلکه نتیجه اشتباهات فردی، ضربات ایستگاهی یا ارسال‌های بلند و بازی مستقیم است. در مقایسه با لیگ‌هایی نظیر قطر، عربستان و امارات، تیم‌های ایرانی سهم بسیار کمتری از گل‌های حاصل از پاس‌های عمقی، حرکات بدون توپ و برتری عددی در یک‌سوم هجومی دارند. این مسأله بیانگر ضعف در آموزش اصول حمله سازمان‌یافته و اجرای مفاهیم مدرن تهاجمی است.

نکته مهم دیگر، افت کیفی مهاجمان تخصصی در لیگ برتر ایران است. مهاجمان شاغل در لیگ، چه از نظر تکنیک فردی، چه از منظر تصمیم‌گیری در محوطه جریمه و چه در بحث تحرک و جاگیری، فاصله محسوسی با همتایان خود در لیگ‌های منطقه دارند. در حالی که لیگ‌هایی مانند عربستان و قطر با جذب مهاجمان باکیفیت خارجی، استاندارد خط حمله را ارتقا داده‌اند، باشگاه‌های ایرانی یا به دلیل محدودیت‌های مالی و مدیریتی یا ضعف در استعدادیابی، نتوانسته‌اند سطح رقابت در پست مهاجم را افزایش دهند.

ریتم پایین مسابقات نیز یکی از دلایل اصلی کاهش گلزنی به شمار می‌رود. سرعت انتقال از دفاع به حمله در لیگ ایران به مراتب کمتر از لیگ‌های پیشرو منطقه است. بازی‌های کند، پاس‌های عرضی متعدد و نبود پرس مؤثر در فاز تهاجمی باعث می‌شود ساختار دفاعی حریف، فرصت آرایش مجدد پیدا کند و موقعیت‌های گل بالقوه از بین برود.

فقر گلزنی؛ کابوسی ترسناک

جواد رستم‌زاده/ افت محسوس آمار گلزنی در لیگ برتر ایران صرفاً یک مسأله آماری نیست، بلکه ریشه در عوامل فنی، تاکتیکی و ساختاری فوتبال باشگاهی کشور دارد. اولین عامل قابل اشاره، غلبه رویکردهای محافظه‌کارانه تاکتیکی در میان اکثر تیم‌های لیگ است. بسیاری از مربیان، بویژه تیم‌های میانه و پایین جدول، اولویت اصلی خود را بر «گل نخوردن» قرار داده‌اند و ساختارهای دفاعی فشرده با بلوک‌های پایین، جای فوتبال مالکانه و

همایون شاهرخی در گفت‌وگو با «ایران»:

لیگ برتر شبیه بیماری شده که دکتر جوابش کرده است

پریسا غفاری/ همایون شاهرخی، سرمربی اسبق تیم ملی فوتبال ایران در گفت‌وگو با «ایران»، شرایط فعلی لیگ برتر را بشدت ناامیدکننده می‌داند و معتقد است با چنین رقابت‌های بی‌کیفیتی، تیم ملی کشورمان پس از جام جهانی به شکل عجیبی افت خواهد کرد چون هیچ خروجی مثبتی از لیگ ایران وجود ندارد.

شاهرخی با اشاره به کیفیت پایین رقابت‌های لیگ برتر، این وضعیت را برای مخاطبان آزاردهنده می‌داند: «دیگر نمی‌توان روی کیفیت هیچ تیمی حساب باز کرد. وقتی ۹۰ دقیقه یک مسابقه لیگ می‌شود پاس‌های بلند و ارسال روی دروازه برای یک بازیکن قدبلند تا با ضربه سر گل بزنند، یا اتفاقات فوتبالی دروازه‌ها را باز کند، مشخص است که با فقر مهاجم مواجه هستیم؛ چون کار آکادمیک را درست انجام نداده‌ایم. فوتبال باشگاهی ایران مریض است و با پول زیادی که وارد آن شده، آینده‌اش هم مشخص است. لیگ برتر دقیقاً شبیه بیماری است که پزشکان آن را جواب کرده‌اند.»

سرمربی اسبق تیم ملی همچنین با اشاره به حضور مهاجمان سرشناس در لیگ‌های منطقه می‌گوید: «من شش سال در کشورهای عربی مربیگری کردم. در آن دوران، بازیکنان‌شان را به زور تحت تاکتیک تیمی قرار می‌دادند، اما الان با صرف هزینه‌های بالا، فراهم کردن زیرساخت‌های لازم و جذب مهاجمان درجه یک و باکیفیت، فوتبال را به زیبایی بازی می‌کنند. به همین دلیل است که سهمیه باشگاهی آنها در لیگ نخبگان و رقابت‌های مشابه افزایش یافته و به دنبال آن سطح کیفی تیم‌های ملی‌شان هم بالا رفته است.»

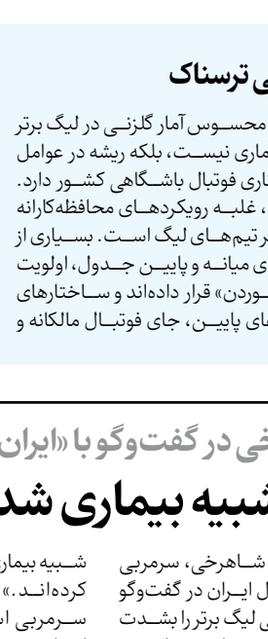

شاهرخی در ادامه توضیح داد: «متأسفانه در لیگی که مدیریت در آن ثبات ندارد، هیچ مدیرعاملی زیر بار تعهدات مالی سنگین برای جذب بازیکنان مطرح خارجی، ایجاد زیرساخت‌ها و به کارگیری مربیان با کارنامه و شناخته شده نمی‌رود؛ چون با یک باخت، با شعار «حیا کن، تیم را رها کن» روبه‌رو می‌شود و غزل خداحافظی را می‌خواند. ۶۰ سال است در فوتبال ایران فعالیت می‌کنم و به خاطر دارم دورانی را که مدیران باشگاه‌هایی چون شاهین، استقلال و دارایی، تغییر نمی‌کردند و سال‌ها بهترین سرمایه‌گذاری را صرف ساخت بازیکن و توسعه باشگاه می‌کردند. اما حالا چگونه است؟ مدیری با تفکر قهرمانی روی صندلی می‌نشیند، دو سه ماه از آن لذت می‌برد و بعد برکنار می‌شود. باور کنید وقتی ورزش بر پایه اصول باشد، خوشحالی منِ پیشکسوت این است که جوان کشورم را به سمت ورزش سوق دهم تا از هزاران بزه اجتماعی جلوگیری شود.»

او در ادامه از بی‌اثر بودن پیشنهادهای کارشناسان برای تقویت لیگ سخن می‌گوید: «سال‌هاست درباره مشکلات فوتبال صحبت کرده‌ایم، اما گوش شنوایی وجود ندارد. وقتی دربی تهران را به اراک می‌برند، این دیگر لیگ نیست؛ بلکه یک دورهمی ساده است!»

شاهرخی شرایط فعلی تیم ملی را نشأت گرفته از لیگ برتر می‌داند و می‌گوید: «وقتی بازیکن شاخص را در پست‌های مختلف پرورش نداده‌ایم، طبیعی است که تیم ملی ما به ازبکستان ببازد. می‌خواهم بگویم از زمانی که پول بی‌حساب وارد فوتبال ما شد، انحراف‌ها گسترش یافت و دیگر کسی صرفاً به دنبال فوتبال زیبا نیست؛ همه در پی این هستند که پول‌شان را از باشگاه بگیرند. باید به حال فوتبال ایران گریست.»

علی اصغر مدیرروستا در گفت‌وگو با «ایران»:

باید ساختار مدیریتی لیگ تغییر کند

گروه ورزشی/ اصغر مدیرروستا، ملی‌پوش اسبق تیم ملی فوتبال ایران، معتقد است ضعف در فاز حمله در لیگ برتر خلیج فارس تنها به عملکرد ضعیف مهاجمان محدود نمی‌شود، چراکه مدیران و مربیان نیز با هدف نباختن، آماده رویارویی با رقبای خود می‌شوند و این رویکرد، نشان‌دهنده ضعف مطلق در گلزنی است.

او در ادامه تأکید می‌کند: «از زمین‌های نامناسب گرفته تا استعدادها و مسائل فنی خود بازیکنان و همچنین نداشتن تاکتیک درست سرمربی برای حمله، لیگ را از مسیر اصلی خود که پرورش استعدادها و تزریق بازیکن خوب به تیم ملی است، دور کرده است.»

مدیرروستا درباره نتیجه‌گرایی تیم‌ها نیز می‌گوید: «امروزه در لیگ برتر ایران شاهد روند خارج از عرف در سیستم گزینش بازیکنان هستیم. باشگاه، دلال و سرمربی، با زیکنا ن کم‌استعداد را ترجیح می‌دهند و از مسیر استفاده از بهترین بازیکن در خط دفاع، حمله و هافبک دور می‌شوند، چراکه سود بیشتری از آن بازیکن به جیبشان می‌رود و مهاجم خوب از چرخه فوتبال کنار گذاشته می‌شود.

وقتی نظارتی بر عملکرد آکادمی‌ها، باشگاه‌ها و نقل و انتقالات بازیکنان وجود ندارد، فساد وارد فوتبال می‌شود و ضرر آن را هم تیم‌های باشگاهی و تیم ملی می‌بینند؛ اتفاقی که سال‌ها در کشورهای حوزه خلیج فارس افتاد، اما تا حد زیادی جلوی آن گرفته شد.»

او همچنین تأکید دارد: «ایران به لحاظ داشتن مهاجم فقیر است، چراکه در کشورهای صاحب سبک، مهاجمان پیش از نیم‌فصل تعداد گل‌های خود را دو رقمی کرده‌اند، اما در فوتبال ایران، بهترین مهاجم تنها ۹ گل به ثمر رسانده است. ما باید چرخه بازیکن‌سازی و آموزش مربی را به نحو احسن انجام دهیم تا لیگ و فوتبال زیبایی را شاهد باشیم. در واقع، فدراسیون باید ساختار لیگ را متحول کند و با یک فونداسیون جدید، آن را از نو بسازد.»